

# سیمای مرتجعین و سازشکاران

# شعله جاوید

ناشران پیشه های دموکراتیک نوین

شماره نهم پنجشنبه ۹ جوزا ۱۳۴۷ هـ - ۳۰ می ۶۸

دبیر تو مبارزات تو ده ای

مثن پیشرو ترین دانش بشری دمو کراسی که دشمن شان آنرا مظهر همواره محتوی اینست که جهان مادی اراده و محصول مبارزات دلیرانه و انسان دستخوش تحول بودگراسی ایشان میدانند باردیگر برای چند است نیروی عمده تحولات و تبدلات روزی گذرا در دام شیادی گرفتار جریا طبیعی را مبارزات درونی آمده بودند سمت اصلی مبارزات و ذاتی پدیده ها و اشیاء طبیعی تشکیل داده اصرم نیرو مندی جهت پیشبرد و تکامل شرایط محیطی و ملحقات آن میکردند .

پدیده های اجتماعی نیز که با هم مرتبط و در هم موثر انداز این قانون اساسی تکامل و تحول بر خور دار میباشد که سیر حرکت آن بیانگر ماهیت طبیعت انسانیست و در پی تو این نظرات انسانی میتواند شاهد مقصود را بدست آورده از آن جهت تحقق اندیشه ها و امسال خویش استفاده کرده موانع و مشکلات تیرا که در سر راه دارد از میان بردارد .

روی این اصل مسلم است که کشور عزیز ما نیز چون پدیده میان سایر پدیده ها که کیهان مادی دارای نمود های خاص خود بوده و شرایط مختلفی تکاملی را پیموده است که مبارزات گوناگون اجتماعی نیز بخشی از آنرا تشکیل میدهد از جمله مبارزات اجتماعی که در افغانستان بوقوع پیوسته و برای جوانان مترقی و توده های مظلوم و ستمکش این محیط سزاوار عطف توجه میباشد یکی هم

مظاهرات کارگری و روشنفکری است که هم اکنون طی چندین روز گذشته اشکال گوناگون آن با ماهیت و هری خاص همراه با شعار های مختلف ، آهوان و افکار باشند کان این سر زمین با ستانی را به خود مشغول کرده ، فضای سیاسی کشور را شکلی غیر از گذشته بخشیده است .

مظاهرات رزمندگان مکتب های میانیکی ، تخنیک صنایع ، اداره عامه ، نرسنگ باعث تجمع و تشکیل دسته های دیگر از شهریان کابل شده که هر کدام خوا حمایت و پشتیبانی از خواسته ها و آرزو های آنان بودند ، ولی از آنجا بیکه چهره حق ، همیشه بعد از مبارزه سخت در برابر باطل ظاهر گردیده و با درخشش خویش چشم بینندگان را باز نموده و با طنین برهمنیت خویش خواب بردگان را تکان داده و سیمای خاینان را بر ملا میسازد ، بناء مظاهرات اخیر شهر کابل یگبار دیگر ماسک دشمنان خلق های مظلوم و محنت زدگان این دیار را پاره نمود ، جوانان مترقی و خلق شریف افغانستان که از مدتی فریب غولان حقه باز دستگاه های حاکمه گذشته را خورده بودند و بعد از طلیعه آفتاب با اصطلاح

انجنیر محمد عثمان

## باز هم رده جویات لایعنی

سرد مداران فر هنگ از تجاهی بر توده های ستمکش که چرخهای سنگین اقتصاد کشور با دستهای پر آبله آنان به گردش می آید ، بخاطر اینکه به فرزندان آنها افتخار بشمول در پوهنتون کابل و مکاتب لیلیه بخشیده اند منت می گذارند . این منتهای پر رویی است . اینان در برابر خواسته های معقول و منطقی شاگردان مکاتب عدم امکان نامالی را پناه می آورند . جای پرسش جدی است که در صورت عدم امکانات مالی ، کاخ های فلکسای پوهنتون ، لیلیه پوهنتون ، کمپ وزارت معارف و مکتب حبیبیه پلی تخنیک و تخنیک عالی و دستگا ه های عریض و طویل آن و مصارف بیجا و لخر جویی های سرشام آوری که در این وزارت وجود دارد محصول کدام مزی پنهانی است ؟

اینان که شاگردان را به دادن در خواست و عریضه و مفاصمه و میخانه فرا میخوانند چرا از یاد برده اند که در پای در خواست های گروهی از مرا جمین چه احکام خلاف تمنیات مرا جمین و چه اوامر بیاد کرانه ای نوشته اند ؟ آیا اینان بخاطر نداشتن که بارها در خواست فرزندانشان خلق را با خون و آتش پاسخ گفته اند ؟ همین اکنون وضع معارف در سراسر افغانستان و علی الخصوص در برخی از گوشه های آن بسیار اسف انگیز است .

تنها متملقان برده صفت و دروغ پر دازان جاه طلب بی توانند باور کنند که کشور ما در این معارف مترقی و متوازن و منکشف است و یا اصلا وزارت معارف با دستگاه های عریض و طویل خویش در راه خدمت به فر هنگ ملی ، در راه رشد خلاقیت علمی ، در راه پایه گذاری فر هنگ واقعا متوازن گامی برداشته است و بر نامه های آموزشی آن که بدست کارشناسان کشور های امپریالیستی تنظیم می گردد برای تخریب افکار و سودن روح شاگردان نیست و برای بلند بردن سطح دانش و رشد استعداد آنها نیست .

گر سبب نشین بزرگ دولت ضمن سخنرانی خود اظهار کرد که «قالمقاله های شاگردان برای متخصصین ما مجال نمی دهد تا به حل مشکلات و پرو بلم های معارف در یک فضای آرام بپردازند . جای دارد پرسیم که این متخصصین (در ص ۴)

چند شب پیش یکی از کراسی نشینان بزرگ دولت در سخنرانی رادیو پوهنتون بزرگمخبرانشان محصلین پوهنتون و شاگردان مکاتب را پند و اندرز داد آنرا به نوکر منشی اطاعت کور کو رانه از قوانین جا برانه تعلیمی و بسر نامه های زبانبشش آموزشی فرا خواند و روشنفکران واقعین و فرزندان صدیق خلق را اخلاکگر و ماجراجو نامید .

## یاد بودی از قیام مسلحانه خلق افغانستان علیه امپریالیسم انگلیسی

پنجده سال پیش از این خلقها ستمکش افغانستان را با نبرد قهرمانانه و خونین خویش رنجیرهای اسارت را درهم شکستند و بزرگترین نیروی امپریالیستی آن دوران (امپریالیسم انگلیس) را جزا نمودند در آوردند شعله جاوید که خویششان را وارث سنن گرانمایان انقلابی خلق افغانستان میداند این روز خجسته را به توده های ستمکش ، عناصر پیشرو و مترقی و بیمن پرستان واقعی شاد باش می گوید و ایمان عمیق دارد که سرانجام توده های زحمتکش کشور ما با در آمیختن آزادی سیاسی و اقتصادی به پیروزی خواهند رسید درود گرم بر خا طره قهرمانان سر سپرده راه آزادی .

یعنی آنانیکه در کشتی غرق بهوای طلب سیر میکنند پیوند خویش را باین جریا نام معقول و پسندیده ، که دستگاه های تبلیغاتی دولتست میخواهند بادگرگون جلوه دادند ماهیت آن افراد این کشور را بر مبارزان راه حق و عدالت بر آشفته سازند ، آشکار ساختند همان بود که از روز سه شنبه تا ساعت ۱۲ و نیم روز یکشنبه میان کوچه ها و خیابان های شهر کابل موج پر جوش و خروش مظاهره کنندگان را رهنمایی میکردند .

چرا این حامیان ندا های معصوم و حق طلبانه ، مبارزان مکاتب گوناگون و سایر جوانان روشن بین طی روز های گذشته در کوچه ها و خیابانهای شهر کابل با شعار ها و آواز های مریح و در دناک راه پیمایی کردند و باتوده هادر آمیختند ؟

اصولا رنجیران ، دهقانان و نیمه رنجیران کشور ما که در جهنمی ترین کوره استبداد دستگاه حاکمه فاسد نیز بر خوردار نیستند هرگز نمیتوانند از روشنفکران آگاهی که علت العلل رنج ها ، بدبختی ها و سرگردانی های ایشان را توضیح میکنند بی نیاز باشند و همچنان جوانان و قسمی وجهش (در ص ۳)

تقدیم به شعله جاوید

حمید

# پافشاری روی مبارزه کلید

پیروزیست

چرا به انزیت عظیم مس دماغا نستان رنجبران می گویند؟  
 همین مردمی که حاصلی از حمت مسان صرفی عیا شی ما و خوش  
 قدرانی های سده قلیل منتخوار و رکنیده میشود و خودشان با فقر  
 و مسکنت در سیاه چال ما و ذبحه هابس می پرند و به شوکت رنجبری  
 بن در داده اند. یا تند؟

این ها در بیجا پس می پرسند؛ شو شاک شان چیست؟ و چه میخورند؟  
 بایک تدبیر بسیار مختصر ارضع یعنی زندگی آنها که برای بهره کسان  
 مفتخوار و قلیل خوش آیند نیست، میتوان درک نمود که واقعا توده های  
 شرا متمند مملکت ما همین شامسند این ها هستند که به حق می توان  
 آنها را رنجبران و نیمه رنجبران خواند.

از مسکن (دخمه های) رنجبران آغاز کنیم:  
 در شهر کابل - در عقب رستوران خیبر، یعنی در مراد خانی سرای عالی  
 وجود دارد نه بسیار کهنه و فرسوده بوده و هر آن بیم سقوط آن میرود  
 وقتی که در یکی از این سرای ها داخل شوی و به چهار سمت نظر  
 اندازی، مشاهده می کنی که چاردر چار و دو منزله اطاق آباد شده  
 است. و بعضا در منزل اول دکان بوده و اکثرآ بوت و چپلی دو زی  
 را بری است در منزل بالائی اتاق های متعدد یک لا دو لا و جود  
 دارد که در آن ما مورین پانین رتبه دولت (معلمین، کاتبان، و سر کاتبان)  
 یگان پنبه کر و خیاط و دیگر پنبه وران و کارگران زندگی میکنند.  
 بعضا دارای از سی و پنجاه و لی اکثرآ فاقد آن میباشند. زمینش  
 پر از خاک و نم سفقتش از دود سیاه  
 رنگ آمیزی شده و بدون مسطح و  
 دیوارها پیش گاه کل ندارد تنگ و  
 تاریک و خلاصه خفقان آور است.  
 شاید در هر اطاق سه یا چهار نفر  
 معلم و چار چاپنج نفر کاتب و سر کاتب  
 و غیره زندگی میکنند. که ما ما نه  
 مبلغ دو صد الی دو صد و پنجاه  
 افغانی کرایه پر داخت میکنند.

اما در منزل اول که بیشتر به  
 مغاره ها شباهت دارد و بصورت  
 اطاق های تاریک و تنگ و طولی آباد  
 شده و صرفا دارای یک دروازه  
 در آمد می باشد. جوانی ها مردکاران  
 (کارگران تعمیراتی) پنبه دو زان و  
 مانند آنها کسان دیگر حیات بسر  
 می برند.

این ها از نگاه سن و سال افراد  
 نوبالغ، جوانان، میانه سالان و  
 اشخاص مسن هستند.  
 در هر اطاق بیش از هشت، ده  
 و حتی دوازده نفر شب را سحر  
 میکنند.

فروش اطاق بوریا و کرایه اطاق در  
 نوسان بوده فی نفر یک تا دو افغانی  
 (برای یک شب) است. این زننده  
 بکوره ها که از کله صبح تا شام  
 کاوکم مصروف زحمت کشی و  
 فرسودن تن ناتوان و علیله و مشغول  
 فروش شیره جان خود در مقابل  
 بیست تا سی افغانی هستند، لباس  
 خود را از تن دور نمیکنند، لحاف  
 یا شال کهنه دارند که روی خود  
 می کشند و سر میگذارند.

از تو شوک و با لثمت خبری نیست  
 از بس تحت فشار استبداد قرار  
 دارند و به صبر و قناعت تلقین شده  
 اند و به این راضی هستند که لااقل  
 در زیر سقفی می خوابند و لقمه نانی  
 می خورند و تن شان ما نند مردم  
 بی سیرت عصر حجر نیست.

و با قیادارده  
 از تو شوک و با لثمت خبری نیست  
 از بس تحت فشار استبداد قرار  
 دارند و به صبر و قناعت تلقین شده  
 اند و به این راضی هستند که لااقل  
 در زیر سقفی می خوابند و لقمه نانی  
 می خورند و تن شان ما نند مردم  
 بی سیرت عصر حجر نیست.

# همزیستی مسالمت آمیز یا نفی

اسد

مبارزات آزادی بنشین خلع و اعلیه ایپریالیسم و استعمار

بدرک این واقعیات تلخ آیا میتوان امید داشت که مبارزات آزادی  
 مسالمت آمیز رستوران صلیب را بر سر انداخته ایپریالیسم را  
 بر خونخوار که پنک را اپرا بران مستقیم به قتل برده و برای  
 بهره برداری از نیروی انسانی در سراسر جهان برای وادستاری در آسیا،  
 افریقا و امریکای لاتین که سراسر روزه سده دهمه اندیزی و روس اند -  
 اسلامه بر زمین گذاشته و پادشاهای تانسی آوردند در کشورهای مختلف  
 شکل سازند؟

ما ازین سازشکاران که امیدواریم مسالمت آمیز ساختن افکار خلق و به  
 اصطلاح مردم ما آب را تحت لوله ماسی میبرند در ایپریالیسم  
 و با به چوای بدهند آری و یا نه؟ اگر چوای نفی است پس چرا  
 میخوئید: امروز قانون عینی و بشردوستانه را در جهان مسالمت آمیز  
 امکانانی را برای کشور صان تعیین مانده و ایپریالیسم را پرورد آورده  
 که از طریق آن میتوان به صورت مسالمت آمیز، ماسوسی، شلی  
 و پارلانی اصل صلح و استقامت را در هر دو طرفی ماسوسی و چنانچه  
 را تأمین کرد.....

اگر چوای مثبت است پس این گفته شود چه حقیقتها است مبارزات  
 نیست حق تعیین سر و دست را برای ملت پستورلمان و مردمان اکثر لا  
 و موروثی و غیره بر دست بشناسند. رطسین بر ستان و نسا صبر پیرو  
 متوجه این تناقض کونی علی عینا ارتجاع سیاه پرده و پندارند نیست  
 جریان مبارزات آزادیخواهی تلفها را این نقاب داران با اندیشه های  
 زهر آلود خود بطرف کراسی و به نفع شمال استعمار کوشش منحرف  
 سازند.

تاریخ تلاش جوانان، تاریخ

مبارزه طبقاتی است. لذا تا زمانی  
 که سیستم استعمار سرنگ نشده و  
 و مازنی وجود دارد و تا زمانی  
 تلاشها و مبارزات طبقاتی در جهان  
 موجود است. مبارزه طبقاتی تا  
 روزی است.

تلفها و مبارزات آزادیخواهی در جهان  
 خناس پیرو با اساس جهان بینی -  
 عالی سر توین باین اصل ایسان  
 دارند که هیچ نیروی بیخوردشان  
 نمیتواند زنجیرهای سیاه استعمار  
 را در هم شکند و هیچ قدرتی بالاتر  
 از نیروی مردمی بشری نمیتواند مبارزات  
 طبقاتی را نیست که تا بر سر سیاه استعمار  
 از مبارزه ما با برد سازد. پیوسته  
 استند نهضت آزادی و دعوتی  
 میکنند به مسوولان دین و کثرت در  
 باره جدت سرز نظر احساسی  
 در پیش گرفته است و میدانند تا  
 آنها که چاه به طریقت قسم شده  
 باشد و تا آنوقت که بهره کسی انسان  
 از انسان وجود داشته باشد و مبارزه  
 این نقاب را پذیرد است این بزرگدستی  
 نمیتواند بدون جنگ از بین برود  
 و جنگ را درجه جا خود استعمار  
 توان و طریقت سازمان و مستشر آغاز  
 کرده است. این ذکر مسلم است  
 که ایپریالیسم هر چه بیشتر مدح و تحانه  
 مقاربت کند حلقه استعمار آن توسط  
 مستبدان جهان از خارج و نهاد  
 و جنبش دوزخی از داخل تحت فشار  
 و تقویت قرار گرفته و سر انجام به  
 نابودی قابل تردید میگردود و ما همین  
 استعمار نوین درجه بیشتر استعمار  
 را از پیش کنند و بدان خدمت نمایانند  
 ایپریالیسم و استعمار نموناه اند از  
 نابودی بگری خورد بر کنار بماتند  
 و در تعیین رطی هر چه بیشتر تقلا  
 کنند در دانی که خود جلو پسا  
 رنجبران نهاده در غلظت و خرد را  
 نابود خواهند ساختند.

دوستان کان پیشرو و مبارز کسه  
 خاطره بالائی را در دلها زنده میگردند  
 دوش بدوش برادران همروز خود  
 بشه بیدار قری طبقاتی و دستم و احتیاجات  
 مرتجعین شعار میدادند.

بالا خره روز شنبه روز شنفکران  
 متریقی به هر اعی کروی از رنجبران  
 بسوی جنگل مبارز گردیدند تا در آنجا  
 باهز رنجبران خود یعنی کارگران  
 جنگل پیوندند هر چند در آنجا  
 خیابان ارتجاع کارگران آکادمیک  
 وادز فوس استبداد خویش و رقابت  
 کرده بودند با آنهم مبارزان آکا  
 عقب کارگاه جنگل پیازیه سازش  
 انگیز ایراد و خبیستانی پایدار نمودند  
 و با کارگران آنجا اپراز گردیدند  
 در بناده عالی مختلف شهر کابل با  
 توده های مردم در آمیخته گشتند  
 و با هرادی خود را برای مبارزه دراز  
 احقاق حق شان تأمین نمودند آنچه  
 در جریان این مظاهرات قابل توجه  
 و یاد آوری به نظر میرسد این بود که  
 افرادی از اقشار مختلف خلق یعنی  
 کسانیکه میسرند آنان را کشتگان  
 پرو کراسی و کاغذ بران خوانند  
 عراض بی نتیجه خود را برای سرزبان  
 خود میخواندند و شعار میدادند که  
 برای حصول حق مردم باید به نیروی  
 خود مردم اتکاء کرد نه به عریضه  
 و رفقطنانه و سرچند این عریضه ها  
 متوجه با سطلاخ (خانه ملت) باشند.  
 بالا خره ساعت دوازده و نیم روز  
 یکشنبه در حالیکه رو شنفکران  
 انقلابی بصورت دسته جمعی برای  
 توده ها شعار میدادند:

بدرت گر حصار از سنگ سازند  
 و هشرا چرخ دل بر تنگ سازند  
 شکاف قلعه را پیش تو آیسیم  
 زخونم گر جهان را رنگ سازند  
 وقتا پایان مظاهرات اعانم گردیدند.

# سیمای مرتجعین و سازشکاران

طلبان را ستین که قابو ایشان آکنده  
 از احساس خدمت به خلق است و جیبه  
 دارند تا با توده هایکی شوند از  
 ایشان بیا موزند و بدیشان بیا موزند  
 اینست راز خمیستی جوانان پیشرو  
 و توده که هیچ قدرتی نیستند  
 این دژ شکست ناپذیر را در ششم  
 کوبید.

عنتکامیکه بیکر فرهنگ پو سیده  
 و فرتوت نیمه ملاکی و نیمه استعماری  
 در زیر ضربات خرد کننده خشم  
 توفان زای رو شنفکران مکاتب یاد  
 شده در بالا مبارزید. دیگر هر جوان  
 پیشرو و آکا احساس میکرد که هسته  
 ضد نظام اقتصادی - اجتماعی کبر  
 از درون آن پدیدار گردیده و روز به  
 روز بسوی رشد و شکوفایی میرود  
 فریاد های شور انگیز رو شنفکران  
 پیشرو که به خاطر رنج های بی پایان  
 رنجبران کشور شان در آسمان کابل  
 طنین انداز میگردد توده محروم  
 شهر یان کابل راه تحسین و اعجاب  
 و امید داشت هر چند سازشکاران  
 مرتجع و کاسه لیسان در گاه اربابان  
 زر در پشت جیبه رو شنفکران آگاه  
 دست به عملیات تخریبی و خا بنانه  
 میزدند و حتی گاه با شمشیر  
 فرزندان صدیق مردم را بچای پولیس  
 دورد ضرب و شتم قرار میدادند ولی  
 آفتاب مبارزات توده ای رنجبران و  
 روشنفکران دیده این خفا شان ترسو  
 را که برای اغوی مردم از تاریکی  
 شبها استفاده میکنند گرد کرده بود  
 و جرات نداشتند و بروی توده قرار  
 گیرند اینگونه اعمال تخریبی و خا بنانه  
 ایشان را بازم رسوا تر ساخت  
 و رو شنفکران در برابر توده های  
 محروم پرده را از سیمای پلید طبقات  
 بیداد گر حاکم دستیاران خاین ایشان  
 کنار زدند.

عنتکامیکه بیکر فرهنگ پو سیده  
 و فرتوت نیمه ملاکی و نیمه استعماری  
 در زیر ضربات خرد کننده خشم  
 توفان زای رو شنفکران مکاتب یاد  
 شده در بالا مبارزید. دیگر هر جوان  
 پیشرو و آکا احساس میکرد که هسته  
 ضد نظام اقتصادی - اجتماعی کبر  
 از درون آن پدیدار گردیده و روز به  
 روز بسوی رشد و شکوفایی میرود  
 فریاد های شور انگیز رو شنفکران  
 پیشرو که به خاطر رنج های بی پایان  
 رنجبران کشور شان در آسمان کابل  
 طنین انداز میگردد توده محروم  
 شهر یان کابل راه تحسین و اعجاب  
 و امید داشت هر چند سازشکاران  
 مرتجع و کاسه لیسان در گاه اربابان  
 زر در پشت جیبه رو شنفکران آگاه  
 دست به عملیات تخریبی و خا بنانه  
 میزدند و حتی گاه با شمشیر  
 فرزندان صدیق مردم را بچای پولیس  
 دورد ضرب و شتم قرار میدادند ولی  
 آفتاب مبارزات توده ای رنجبران و  
 روشنفکران دیده این خفا شان ترسو  
 را که برای اغوی مردم از تاریکی  
 شبها استفاده میکنند گرد کرده بود  
 و جرات نداشتند و بروی توده قرار  
 گیرند اینگونه اعمال تخریبی و خا بنانه  
 ایشان را بازم رسوا تر ساخت  
 و رو شنفکران در برابر توده های  
 محروم پرده را از سیمای پلید طبقات  
 بیداد گر حاکم دستیاران خاین ایشان  
 کنار زدند.

عنتکامیکه بیکر فرهنگ پو سیده  
 و فرتوت نیمه ملاکی و نیمه استعماری  
 در زیر ضربات خرد کننده خشم  
 توفان زای رو شنفکران مکاتب یاد  
 شده در بالا مبارزید. دیگر هر جوان  
 پیشرو و آکا احساس میکرد که هسته  
 ضد نظام اقتصادی - اجتماعی کبر  
 از درون آن پدیدار گردیده و روز به  
 روز بسوی رشد و شکوفایی میرود  
 فریاد های شور انگیز رو شنفکران  
 پیشرو که به خاطر رنج های بی پایان  
 رنجبران کشور شان در آسمان کابل  
 طنین انداز میگردد توده محروم  
 شهر یان کابل راه تحسین و اعجاب  
 و امید داشت هر چند سازشکاران  
 مرتجع و کاسه لیسان در گاه اربابان  
 زر در پشت جیبه رو شنفکران آگاه  
 دست به عملیات تخریبی و خا بنانه  
 میزدند و حتی گاه با شمشیر  
 فرزندان صدیق مردم را بچای پولیس  
 دورد ضرب و شتم قرار میدادند ولی  
 آفتاب مبارزات توده ای رنجبران و  
 روشنفکران دیده این خفا شان ترسو  
 را که برای اغوی مردم از تاریکی  
 شبها استفاده میکنند گرد کرده بود  
 و جرات نداشتند و بروی توده قرار  
 گیرند اینگونه اعمال تخریبی و خا بنانه  
 ایشان را بازم رسوا تر ساخت  
 و رو شنفکران در برابر توده های  
 محروم پرده را از سیمای پلید طبقات  
 بیداد گر حاکم دستیاران خاین ایشان  
 کنار زدند.

عنتکامیکه بیکر فرهنگ پو سیده  
 و فرتوت نیمه ملاکی و نیمه استعماری  
 در زیر ضربات خرد کننده خشم  
 توفان زای رو شنفکران مکاتب یاد  
 شده در بالا مبارزید. دیگر هر جوان  
 پیشرو و آکا احساس میکرد که هسته  
 ضد نظام اقتصادی - اجتماعی کبر  
 از درون آن پدیدار گردیده و روز به  
 روز بسوی رشد و شکوفایی میرود  
 فریاد های شور انگیز رو شنفکران  
 پیشرو که به خاطر رنج های بی پایان  
 رنجبران کشور شان در آسمان کابل  
 طنین انداز میگردد توده محروم  
 شهر یان کابل راه تحسین و اعجاب  
 و امید داشت هر چند سازشکاران  
 مرتجع و کاسه لیسان در گاه اربابان  
 زر در پشت جیبه رو شنفکران آگاه  
 دست به عملیات تخریبی و خا بنانه  
 میزدند و حتی گاه با شمشیر  
 فرزندان صدیق مردم را بچای پولیس  
 دورد ضرب و شتم قرار میدادند ولی  
 آفتاب مبارزات توده ای رنجبران و  
 روشنفکران دیده این خفا شان ترسو  
 را که برای اغوی مردم از تاریکی  
 شبها استفاده میکنند گرد کرده بود  
 و جرات نداشتند و بروی توده قرار  
 گیرند اینگونه اعمال تخریبی و خا بنانه  
 ایشان را بازم رسوا تر ساخت  
 و رو شنفکران در برابر توده های  
 محروم پرده را از سیمای پلید طبقات  
 بیداد گر حاکم دستیاران خاین ایشان  
 کنار زدند.

# چهره خوران ارتجاع بی شرمانه خون را به صف خلق زده اند

بادرك علم بيشرو كه روشنگر راه  
رژم قهرمانا نه ستمگشاين عليه  
متكران و نوكران زر خريده شان  
باشد. كار گران واقعي ميدان  
الذملي هوايي كابل و محصلين  
تبهاوردی و هوا شناسی كنه  
و ظيفه كار كری ميدان های هوايي  
مانستان رادر آينده به دوش دارند  
پونه مبارزات شان به خوبی در يافته  
ناكه فرق راه و چاه كندام است؟  
قران ميدان هوايي بين المللي كابل  
كار گران ساير ميدانهای هوايي  
مانستان دو شا دوش يكدیگر قرار  
رفته همه وقته مبارزات سر سخت  
ادرمنا بل دستگاه اداری بيش گرفته  
ند.

شان می گردد، کسیکه درمظا هرات  
سه عقرب ثانیه به ثانیه با ریاست  
تماس تیلیفونی داشته و همدوش  
پو لیس نو کرپوال، دهن دروازه مکتب  
به غرض ممانعت محصلین از اشتراك  
در مظا هره از صبح تا شام نو کری  
میداند و کسیکه کامیابی محصلین را  
فقط هر بوط به قول پر نامه و قرار  
گرفتن زیر پر چم سیاه ه خسو یس  
قلداد می کند. می تواند در ردیف  
خلق جا گیرد؟؟؟ خیر!!! به جز از  
چیره خوار و زر خرید ارتجاع، سگ  
خانگی و غلام حلقه بگوش یا داران  
داخلی و خار جی یعنی دستگاه فرتوت  
و بوسیده اداری داخلی، امپریا لیس  
بین المللی به سرد مداری امریکا متاع  
ننگین ازین بيش ارزش خود را

اژ در فتنه  
باخته است. کار گران میدان های  
هوائی افغانستان دوش به دوش  
کار گران رشته های دیگر صنایع  
زدستانان مملکت در شنا سائی این  
عنا صر دو رز یه و نقاب پوش دست  
همت با کمزده و بانبروی رز منسده  
و نیروی و اتقا بيشرو متر قی کارگری  
همه وقت نقاب پوشان را اثما ساخته  
و چون ابواج خشکین موج به موج  
پیش رفته، عنا صر دو رز سترابه  
عقب رانده و بر اندرز های ریاکارانه  
شان خط بطلان کشیده اند.  
کارگران میدان های هوايي  
افغانستان یقین دارند که دشمنان  
خلق یعنی استعمار گران داخلی  
و خار جی، در نجبین داخلی و خارجی،  
مدافعین استعمار نویسن (دشمنان  
واقعی و در ستان ظاهری خلق) روز  
به روز بزرگ تر گردیده و نا، یعنی  
کار گران، دهقانان، زحمتکشان،  
روز بروز شاداب تر میگردیم.  
کار گران میدان های هوايي  
افغانستان به اینگونه عنا صر ضد  
خائیکه با سلاح خلق باسلق میچکنند.  
اخطار می کنند که از پیکار با خلق  
جدا خود را ری کنند چه فقط خشم  
رزمنده و طوفان نژای خلق، این  
دشمنان دوست نما را با دیگر یاران  
شان در شا بسته ترین جایگاه شان  
یعنی زباله دان تاریخ خواهند ریخت.  
کار گران! دهقانان! زحمتکشان!  
با کار گران میدانهای هوايي سراسر  
افغانستان هم آواز شده، خشم کارگری  
را که بنیان کن جامعه کهن و ایجادکن  
جا معة نویسن است در سطور زیرین  
که از طرف سر سیرد کان راه  
آزادی بیان گردیده است یکبار دیگر  
به این خلق نماهای ظاهری و دشمنان  
واقعی جدا اخطار کنیم.

بازار کاسه لیسان در کاه  
از بابان زر هرچه از چرند بات  
خند آ و ر و عیو بات لا یسنی در  
چنته های مغز خویش دارند چون  
شعبده بازان بازار ی در انتظار  
همه کان بریزند تا علم د یگر کوئی  
عمیق رنجبران در مبارزه با اینگونه  
پندار های پوچ راه خویش را خوبتر  
و بيشتر در صوف رنجبران در صحن  
آن باز نموده و کنجینه دانش بيشرو  
را بيش از پیش غنی نما یند.

## «واصف» باختری

برین باره بلند  
برین تکر رخت پیر  
برین شاخه های خشک  
چه مرغان شب نورد  
که بستند آشیان  
درین دشت سارها  
چه شبهای نیمرنگ  
که پیچیده تاسحر  
نورای نی شبان  
درین کهنه روستا  
درین جلوه گاه غم  
درین چشمه سار رنج  
چه برزیکران پیر  
چه دوشیزگان مست  
چه پو یشتگران رزم  
که از یاد رفته اند  
که ناکام مرده اند  
که خاموش خفته اند  
زارباب بهره کش  
زدارای از منه  
ستم ها کشیده اند  
در این کشتزارها  
چه مردان رزمجو  
که در خون تپیده اند  
چه دلپای پر تپش  
که آکنده از امید  
به خاک آرمیده اند  
چو خورشید رستخیز

کار گران و عیدو طبان کسرا می  
بداخل را زند که در دست هفت  
سرطان ۱۴۶۶ اعتصاب عمومی  
نار گران میدان هوايي كابل و قندهار  
باز دستبرد کرده در حقوق کار گران  
میدان كابل و ضرب و شتم و حشیانه  
و در نشان کار گران نسو سطر آمر  
میدان قند هار صورت گرفت. شعله  
این خشم بنیان کن، این ندا حق طلبی  
کارگران رو شنگر تا کرا نه های  
شمان مملکت زبانه کشیده کار گران  
میدان مزار و هرات از این خشم  
نار گری و نمرش لر زاننده کج  
ارتجاع استقبال خو بی نموده و از  
هفت سرطان اعتصاب عمومی توأم با  
افشا گری دستگاه اداری آغاز گردید.  
اعتصاب سر تاسری کار گران میدان  
های هوايي افغانستان تا ۹ سرطان  
درمان شمال ادامه داشت. بعد از  
اعتصاب یکمده از اشخاص بی بندوبار  
بناشهای مذ بو حانه و نقشه های  
سالمسانه خود با، اسك دروغین خلق  
که به اصطلاح به خاطر رنجهای  
بیکران خلقی، ستمیده افغانستان  
مبارزه می کنند در صفت مبارزین  
واقعی خود را جا زده اند. این چیره  
خوران در کاه ارتجاع که بی شرمانه  
خود را به صف خلق زده، نقاب حق  
به چهره کشیده و به بحر خلی با خلق  
نبرد میکنند از چه کسانی عبا رتند؟  
اجازه به عید مشت را نمونه خوروار  
ذکر کنیم.

اداره کننده مکتب هوا شناسی  
و هوا نوردی میدان بین المللی كابل  
به دستگیری یا رانش همه و قلداد از  
خلق و خلق دو ستمی زده و شعار  
«بخا طر رنجهای بیکران خلقی  
ستمدیده افغانستان» را مانند  
و بیته های شان به زبان دارند.  
ولی آیا این طر فداران خلق بگفتار  
در عمل نیز در صف خلق میاستند؟  
خیر به هیچ وجه. چه کسیکه چندسال  
قبل از طرف رئیس هوا ئی ملکی  
آنوقت بدر یافت تمیر لو کس در  
کار نه مامورین قیمت تخمینی آن  
در حدود بیست لک افغانی است  
سر فراز شده باشد، کسیکه در  
اعتصاب عمومی کار گران میدان  
هوا ئی كابل و قندهار و سانس  
میدانهای هوايي افغانستان مانع  
حصه گرفتن محصلین مکتب  
هوا نوردی و هوا شناسی در  
اعتصابات و احقاق حق برادران کارگر

## زموز اوسنی اقتصاد چاه ولتی

سکتور په نامه یادگیری  
پورتی تحلیل به بنه توکه بنی سیاست د اقتصاد لند بیان دی نوله  
چه د اقتصاد دولتی سکتور تقویت  
زموز اروالی و امپریالیزم او نسوی  
استعمار مدافعینو ته لاهم زیا تو ی  
او دپولو رنجبرو، نیمه رنجبرو او  
بزرگانو د فقر، بیکاری، نا پوی،  
او ناروغی اصیل علت دی. خککه چه

### اعتصاب کارگران رزمجوی مطابع دولتی

خبر نگار ما گزارش میدهد که بروز پنجشنبه جو را کارگران مطابع دولتی کابل دست به اعتصاب بزدند. خواسته های آنان بیهوده صحتی، افزایش معاش، و سبیله نقلیه، کوپون مسافه تقاعد کارگران، لباس کار، استفاده از تعطیل بعد از ساعت دوازده روز پنجشنبه و رخصتی بعد از ساعت چهار و نیم در دیگر روزهای هفته بوده است این اعتصاب در اثر مداخله بعضی عناصر مغرب باعث خشونت بیشتر کارگران و فراهم آوردن بعد از خطا به ها دست به مظاهره زدند و از معوطه فابریکه خارج شدند، پولیس و ژاندارم ارتجاع کارگران را متعاضه صره نمود. اما این عمل هم نتوانست از تصمیم رزمجویان با نه کارگران جلو گیری کند. اما اخیراً از تجاع دست بجمله گری زده و با و عده ها از حکت کارگران جانب شهر جلو گر فت، کارگران با اراده رزمجوی و تصمیم شکست نا پذیر انتظار این و عده نزدیک را می کشند.

شعله جاوید که از زندگانی رنجبار و پر مرارت کارگران مطابع آگاه است و بخوبی میداند که بسیاری از ایشان بنا بر شرایط سنگین کار به بیماری ها گرفتار می شو ندخواسته های منطقی کارگران آگاه مطبعه دولتی را تأیید میکند و یقین دارد که آنان با همبستگی و تحکیم اتحاد خویش بر دشمنان طبقاتی خود چیره خواهند شد.

### نامه کارگران

فابریکه قیر ریزی تباراولی کارکنان جریده شعله جاوید! چون جریده شعله جاوید را انکسار دهنده از ماههای خویش میدانیم بوسیله این نوشته یکمده از خواسته های خود را به شما ارسال داشتیم تا در شعله جاوید درج گردد:

- ۱- با لافتن سر سام آورد قیمت ها و نداشتن کوپون زندگی ما و خانواده های ما را به بدترین صورت تهدید می کند.
- ۲- در اثر شرایط ناگوار محیط کار به بیماریها و علالت ها گرفتار هستیم ولی از بیمه صحتی و دکور موظف الوری نیست.
- ۳- از مفاد مبلغیکه بنام ذخیره از معاش ناچیز ما وضع می گردد.
- ۴- باید روزهای پنجشنبه برای رفیع خستگی های یک هفته و تجدید قوا برای بدست آوردن نان بخور نیز در هفته آینده رخصت باشیم.
- ۵- معاش ما به اندازه ناچیز است که چند روز زندگی را برباید و احتیاجات اولیه ما را تأمین کرده نمی تواند.
- ۶- از نداشتن لباس کار دچار تکلیف زیادی می باشیم.
- ۷- این نکته را نیز شایسته یادآوری می دانیم که یکی از کارفرمایان با ما بصورت بسیار بیاد کارانه و معیار کرامت انسانی پیش آمد میکند و از جانب دیگر از تیل و دیگر مواد استفاده سوء بعمل می آرد.

### بیمکار قهرمانان زحمتکشان فرانسه

اعتصاب عمومی کارگران فرانسه علیه سیستم منقر سرمایه داری. بدومین هفته خویش وارد شد. در اوایل این هفته تعداد کارگران کبه اعتصاب عمومی و نا محدود و بیبسته بودند، بیش از ده میلیون نفر بود، یعنی از هر پنج نفر فرانسوی یک نفرشان در شمار اعتصاب کنندگان می آمد. تمام صنایع مواصلات و مخابرات، خطوط هوایی، معادن و بنادر فرانسه در حال رکود بسر می برد. کارگران در پیش از دوصد کارخانه و معدن قدرت را بدست گرفته اند. محصلین قهرمان فرانسه به مظاهرات و مبارزات خود دوش بدهش همزمان کارگر خویش ادا می دهند. دولت ارتجاعی فرانس در بیست و سوم مه (سوم جوزا) تشکیل اجتماعات و مظاهرات را منع فراداد، ولی محصلین و کارگران قهرمان شهر پاریس از بیست و سوم تا بیست و پنجم (سوم تا پنجم جوزا) به تظاهرات مسلسل دست زده و چندین بار با پولیس مخصوص سرکوبی مظاهرات زد و خورد کردند. هم چنان کارگران و محصلین سایر شهرهای فرانسه نیز با سر مشق گرفتن از همزمان پاریسی خود، بمبارزات و مظاهرات خویش ادامه می دهند. در جریان این مبارزات عظیم قیافه خیانت پیشه سازشکاران معاصر، این زخم چرکین در بدن طبقه کارگر فرانسه بخوبی رسوا گشت. این خائنین با سوء استفاده از نفوذ که در میان برخی از اتحادیه های کارگری داشتند. کارگران را از شرکت در مظاهرات محصلین پاریس بازداشتند، ولی با وجود آرزوی بیست و پنجم مه (پنجم جوزا) ده ها هزار کارگر به اتفاق محصلین پاریس دست بمظاهرات عظیمی زدند سردمداران سازشکار، این کندی های کوکی میخواستند با توسل به روشها و دولت ارتجاعی فرانسه از دست زدن پیش آمده و موج طوفانی بیکارگونی خلق فرانسه را فروکش بخشند. درین هفته، در لندن، مظاهرات از طرف محصلین پیشرو و کارگران آگاه در پشتیبانی از مبارزات خلق فرانسه صورت گرفت. هم چنان در استکهلم نیز محصلین پیشرو در پشتیبانی از مبارزات خلق فرانسه علیه سیستم فروت سرمایه داری انحصاری، مظاهرات پرشکوهری ترتیب دادند.

تمام خلق های ستمکش، آنهاییکه در زیر فشار و اسارت سیستم های سرمایه داری و مملکتی قرار دارند بخلق مبارز فرانسه که صاحب سن بر افتخار انقلابی اند، درود گرم و آتشین می فرستند.

خبر نگار ما اطلاع میدهد که بروز سه شنبه ۷ جوزا موتور رانهای ترا نسورت انحصارات دربرابر عبارات ریاست انحصارات دست به اعتصاب زده بودند خواسته های آنها عبارت بود از:

- (۱) افزودی معاشات.
- (۲) باید در روزهای کموتراهی آنها در اثر نبودن کاری متوقف می باشد برایشان نیز معاش داده شود.
- (۳) باید تفاوتی بین معاش دوتر رانهای که موتورهای ده تیره و چهار تیره را می رانند وجود داشته باشد.

**شعله جاوید:** خواسته های موتور رانهای ترا نسورت انحصارات را تأیید نموده و عقیده دارد که آنان نمیتوانند با همبستگی و اتحاد حقوق خویش را از آمرین ستمگر بدست آورند.

باز در این واقعت که حقوق خویش را نمی توان از راه زاری و عریضه بازی بدست آورد، کارگران مطبعه معارف روز چهارشنبه ۸ جوزا دست به اعتصاب زدند. خواسته های آنها مانند سایر کارگران دیگر فابریکات می باشد شعله جاوید با تأیید اعتصاب کارگران مذکور، عقیده دارد که تمام کارگران افغانی با همبستگی و اتحاد نزدیک میتوانند شاهد پیروزی اقتصادی و سیاسی را به آغوش کنند.

بر اساس گزارش خبر نگار ما روز شنبه چهار جوزا روزیکه شعارهای نبرد انگیز و شنفکران پیشرو در فضای کابل طنین افکننده بود، کارگران آگاه خانه سازی دست به مظاهره زدند، مقامات مسئول تاکنون به مطالبات منطقی و مستدل آنان پاسخ معنی نداده اند.

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول**  
**داکتر رحیم (مجمود دی)**  
**آدرس حصه اول جاده میوند**  
**حساب در پشتی تجارتي بانک**  
**(۲۷۷۴)**  
**هر پنجشنبه نشر میشود**  
**قیمت هر شماره در سراسر افغانستان**  
**دو افغانی**  
**حق الاشتراک**  
**مرکز**  
**ولایت**  
**خارج**  
**۱۰۰ افغانی**  
**۱۱۰**  
**۱۰ دالری**

فابریکه قیر ریزی تباراولی را بپایماند و به ایشان نوید میدهد که اکنون طوفان مبارزات زحمتکشان به سطحی رسیده است که مرتجعین و کارفرمایان بیدادگر نمی توانند حقوق حقه کارگران را بازیگری بکنند.

### باز هم ردهجویات لایعنی

در طی نیم قرن گذشته پایه اندازمه بخل پرو بلم های معارف پر دخته و از دشواریهای امور فرهنگی کاسته اند که در چند روز در پس آورده شدن این مأمول پیر وزی یا بند شخصیت ها و محافل ارتجاعی و وابسته به طبقه حاکمه میخواستند بدانند و خا نواده های شاگردان را علیه آنان بسز انگیخته سازند و روشنفکران میهن پرست و خواستاران تحولات عمیق و بنیادی را نسبت به مبادی اخلاق و معتقدات بی اعتنا نشان دهند ولی خوشبختانه بدران و خانواده های شاگردان اکنون بدروستی درک کرده اند که این آئین دیرین طبقه حاکمه بیدادگر است که خود عملاً به این مبادی بی اعتناست و همواره خواسته است فرزندانش را برومند مردم را ناجوانمردانه با این حربه از پا در آورد. توده های ستمکش کشور ما، روشنفکران مترقی و پیشرو کشور ما و همه آرزو مندانش سر بلند و آزادی واقعی افغانیستان اکنون راه خویش را یافته اند و آگاهانه در این راه پیش می روند. پس از این با هیچگونه وعده و وعید، با هیچگونه تهدید و تهمیق، با هیچگونه سالی و سرورانی نمی توان از رشد اندیشه های تازه جوئی روشنفکران پیشرو جلو گیری کرد. سردمداران فرنگ از تجاعی این آرزو را با خود بگور خواهند برد.

دولتی مطبعه